از پس است په نماز بگو
می بگویند ز بود مفروضات

الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد

بر مقیمانکه هست در امصار
بس جماعت شوند ان
به زنان واجب است در اغال
لیک این را بنزد هر دو یار
مقتدیان را کنند تمام
است در مختصر به نیفتی
گفت در گاه جهر باید کرد
جهر سازد بنا فزان
است واجب بفعل جند بر
بازا ز صفات بسازد یاد
فتوی بر جمع این گفته آن
ذکر کرده است شارح اورا
روز عرفات روز دهم
گر نباشد بیاد حق
هر دمی را حساب می آید
هر قدم بچه در میدان
در دم سینه خود
از خوشی آنکه برقرار بود
باطل این بحضرت اوست

بجماعت نماز بگذارند
گفت تکبیر نیست بر آنها
بمقیم اقتدا با فرکرد
می بگویند جمیع فرض گذار
قبل از این گفته ایم نزد دو
از سراجیه برهین فتوا
چونکه او زاد که عوض است
چونکه سنت بود در اعلاج
نیز در چند نسخه گفت
شد بعض زاد دیگر حق
عقب جمعه بایدش گفتن
هر دیده او ز هشت ذی الحج
هر نفس که بر دل زان
دم چندان انام است
بهر هر ذره بهر هر سو
میشود عقده
هر نظر که بغیر حق گردد
دولت در دل با دل بود
باز در شبی دل البوحق

مره واحد ای حجت صفا
نزد نعمان امام بزرگوار
یعنی تکبیر آن که باید گویند
گر ابا زند اقتدا بر جال
گشت واجب به تحقیق اکرد
ترک تکبیر گر بکرد امام
از پس است په نماز بگو
ز نسا گر اقتدا کند با مرد
ز نسا ازین ترس می بگوید
بوالمکارم نوشت این تکبیر
عده از دست خویش این
گویند از بعد عید هم تکبیر
چونکه مکتوب است ادبطل
عرفه روز نهم قربان
گر بیاد حق است عید آنست
چونکه روز گذشت که آید
روز محشر جواب
هر که یک لقمه بغفلت خورد
چشم خود بسوی
گر بروی بهر سوی است
این بود کار عارفان حق

نطق

۱۷۵

نطق در وصف جان دل در رو
اهل فردی نیف گردان
عاقبت بسازد از کل ما
چونکه بر بنده لطفها داد

در بیان نماز استسقا

قول نعمان امام بزرگوار
گر به تنهای خواند جواز
لیک از اهل گفت آنکه کسی
خطبه هم نیکنند الیواه
قول بو یوسف حمید حصال
نه جماعت بنزد او شود حمل
قلب نیز در محمد است اما
نه بر آید در انجمن آنانی

در بیان نماز کسوف

میگذارد امام جمعه از آن
لیک باید طویل کرد اینجا
آنچه فرموده اند اهل خبر
این زمان فرد فرد قبل خوف
یا گند رو بسوی آدمیان
این بنزد ابو حنیفه است
این نماز است در رضا الهی

نه برد زمقام هر کس
ما که بر خویشتن گرفتاریم
بمقام رضا رسان ما را
نام پاکت غفور ستار است
ده ما به بیارد از باران
میکنندش دعا استغفار
قول دو یار کاندر انجام
جمع قول محمد است لیس
جو شرح محمد امام عقل مزید
خطبه واحد است در اینجا
میکنند رو بسوی قبله دعا
لیک نزد ابو حنیفه لا
در رد اقوال حضرت نعمان
هست در مختصر ضمن خوف
رکعتین بجواز چو مردان
هم دعا میکنند ز بعد نماز
نیست حاضر امام جمعه اگر
والی اربع نوشت اینجا آن
نیز در چند سوی بیان
نزد بو یوسف است جهر خبر
سنت است از برای خطبه

یا الهی بحرمت مردان
تا ببخشد بنده خطا کاریم
بنمای مخلص از گرفتاری
بنده هر چند عیب کردارست
می بر آید بموضعی باران
نیست مسنون در وی نماز
میگذارند دو رکعتی با امام
جهر سازد امام در هر دو
گفت خطبه کنند چو خطبه عید
نزد نعمان چو خطبه نبود حل
میکنند هم امام قلب ردا
اهل ذمی مع مسلمانان
شمس الدین گفت هم صحیحان
چونکه شد دانیکه آفتاب کسوف
گفت در این قرائت اخفا
تا شود روشن آفتاب از
میگذارند این نماز کسوف
رو بقبله دعا کند چو امام
در قرائت که می خواند ذلت
گفت قول امام بزرگ
قول دیگر بود جهر اوست

مضطرب قول صاحب دیگر
لیک نزد شمس الدین
محمد صاحبین جهر در
آنچه قول صحیح شرح در

Copyright © King Saud University